



من می دانم

پایه اول دبستان



مؤلف: معصومه حسینی

عرض سلام وادب دارم خدمت پدر و مادر.

بابای خوب، مامان مهربان:

منه نه اینکه دینم مرا به کسب علم از ابتدای عمر تا انتهای عمر تشویق کرده و مرا بر آن داشته که در این عالم خوب بینم، بهتر بشنوم و متفکرانه در آن نظر کنم: «پس همراه باش»

من احتیاج به راهنما، راهنمایی که پشتیبان فکری و اجرایی باشد دارم. «پس پشتیبانم باش»

دوست دارم وقتی از پله های یادگیری آهسته گام برمی دارم، کمک کنی اما فرصت لذت برداشتن یک گام را از من نگیری. «پس کنارم باش» از صبح که بیدار میشم تا لحظه خوابم، با موضوعات علمی سروکار دارم، گاش همه ی فضای زندگی من تبدیل به فضای یادگیری بشه مثل قدم زدن با شا در پارک و نگاه و توجه مورچ ها، گیاهان، سنگ ها و خاک و...

چه خوب میشه اگر خانه ی تبدیل به یک آزمایشگاه بشه، تبدیل به یک کلاس و... مثلاً با هم یک گروه تشکیل بدیم... پس علوم در همه جا...

درس علوم برای من فرصتی برای دانشناسی آشنایی با خلقت، خلق و خداشناسی است.

درس علوم برای من درس زندگی، درس کمالی پرشگری است، پس وقتی از من پرسشهای مناسب و قابل درکم را داری به من فرصت تفکر بده و به چشمانم نگاه کن تا آرامش بیشتری فکر کنم.

من می توانم یک دانشمند کوچک یا یک مخترع باشم اگر فرصت طرح شدن پرسش را به من بدهی اگر مرا در موقعیت هایی قرار دهی که پیشنهاد دهم.

وقتی می پرسم، جواب را پیدا می کنم، به خودم اعتماد می کنم و مطمئن می شوم به بیان، و در مسیر زندگی از ایمان به خود به ایمان به خدا می رسم.

من نیاز به توجه و تایید شما دارم تا تشویق و جایزه ...

آخه وقتی به من گوش می کنی گوش کردنی پویا!

وقت می گویی عجب سوال خوبی کردی !!

یک اتفاق عجیب درونم رخ می دهد یعنی به انگیزه درونی پیدا می کنم که

هیچ وقت قطع نیشه «پس به من توجه کن»

راهنمای یادگیری: معصومه حسینی

